

زنان شوهر بسنده

نمای اول

کارش به طلاق کشیده است. مرد اکنون به مشاوره آمده و از دلایل خراب شدن زندگی خود می گوید. او خود را مقصر نمی داند: «هزینه های زندگی در تهران زیاد است. ترافیک هم خیلی زیاد است. هر روز صبح زود باید می رفتم و شب دیروقت باز می گشتم». صبح خیلی زود از خانه خارج می شود، قبل از آن که زن از خواب برخیزد. نهار را در محل کار می خورد، در یک شرکت خصوصی و عصرها هم برای اضافه کار می ماند. شب ها دیر به منزل می آید. او معتقد است اگر زنش او را نمی خواهد و اصرار به جدایی دارد، تقصیر ماهواره است: «حوصله اش سر می رفت در خانه، به همین خاطر ماهواره گرفتم که سرش گرم شود».

آمارهایی که در رسانه های خارجی منتشر می شود نیز از نارضایتی زنان غربی حکایت دارد: «دو سوّم زنان مشکلات زناشویی دارند» (۱). چرا در گذشته زنان بیشتر به شوهر خود بسنده می کردند و امروز کمتر؟ چه رخ داده که پاره های زنان شوهردار از ارتباط با شوهر خود ابزار نارضایتی می نمایند و چشم به نقطه دیگری می دوزند؟

می گوید: «وقتی من خسته و کوفته به خانه می آیم، حوصله صحبت کردن با زنم را ندارم». مرد از راه رسیده است. پس از یک روز پُرکار، بدنی عرق کرده، سر و وضعی ناآراسته، فقط به خواب فکر می کند، تا بتواند برای کار در روز بعد آمادگی داشته باشد: «اما ماهواره مردان را بسیار آراسته تر نشان می دهد، همان طور که زنان را».

او تنها مردی نیست که به دلیل اشتغال پرزحمت و برای - به قول خودش - در آوردن لقمه ای نان، فرصت ندارد به زن و زندگی بیشتر رسیدگی نماید. او خود را برای زن نمی آراید! مرحوم کلینی (ره) نقل می کند: «مردی امام کاظم (ع) را دید که موی سر و صورت را رنگ کرده بود. گفت: فدایت شوم، رنگ کرده اید؟! امام فرمود: بله، آراسته (۲) بودن از آن چیزهایی است که عفت زنان را زیاد می کند و به ترک آراستگی شوهران است که زنان عفت را ترک می کنند» (۳).

نمای دوم

چادر بر سر دارد، مانتو پوشیده است، یا هر نوع حجاب دیگر. خود را از نگاه مردان حفظ کرده است و گمان می کند دیگر در معرض بی عفتی نیست. عینک دودی زده و چشمانش را کسی نمی بیند: «احساس می کنم این طور بیشتر حجاب خود را رعایت کرده ام». یک طرف حجاب را گرفته و طرف دیگر را رها کرده است؛ «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (نور: ۳۱). این آیه از قرآن را انگار تا به حال نخوانده و نشنیده هیچگاه.

چشم چرانی در زن ها را اگر آمار بگیرند، شاید از مرد ها کم تر نباشد. بعضی عوامل محیطی کمک کرده است در سنت های فرهنگی ما که همیشه نگاه به نامحرم از سوی مرد نکوهش شود. نگاه زنان به نامحرم چندان مورد توجه نیست. زنان ما کم تر سوره نور را می خوانند، سوره ای که رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) به آن سفارش کرده اند: «به زنان سوره نور را بیاموزید» (۴).

کم تر زنش را در خانه می یابی. از مرد پرسش می شود: «مگر تو متأهل نیستی؟ چرا به جای گشتن با رفقا به خانه نمی روی و نزد همسر نمی مانی؟» و او در پاسخ می گوید: «زنم در خانه نیست، رفته است بیرون».

گاهی «خرید» دلیل بیرون رفتن از خانه می شود. گاهی سر زدن به اقوام و آشنایان و دوستان. گاهی اشتغال و رفتن به سر کار. زندگی دشوار شده است در کلان شهرها و زنان نیز پایه پای مردان کار می کنند. زن دیگر در خانه نمی تواند قرار یابد، انگار احساس خفگی می کند، خانه ها هم تنگ و تاریک شده، از گرانی زمین و مصالح و هزار مشکل اقتصادی دیگر، تا فرصتی و مجالی فراهم شود بیرون است. بازار رفتن تبدیل شده است به گشت و گذار در بازارچه ها، پاساژها و همه این ها جای خود را به فروشگاه های زنجیره ای می دهند. مرد دیگر برای زن چندان جذاب نیست. زن، مردان دیگری را در محیط زندگی می بیند.

اینترنت آمده است. فضایی کاملاً حقیقی که به اشتباه مجازی می خوانند. همین تصوّر مجازی بودن زن را فریب می دهد و اصلاً متوجه نمی شود در این ارتباطها مسیر خطایی را می پیماید. می پرسند: «چه تفاوتی بین زن و مرد هست که مرد در جامعه باشد نیکوست و زن از جامعه دور بهتر؟! تفاوت را آن کسی بهتر می فهمد که هر دو را خلق کرده و فرستاده اش که هرگز از نزد خود چیزی نمی گوید و به غیر رضای خدا عمل نمی کند و همه قول و فعلش یا وحی است یا برگرفته از وحی: «رسول خدا (ص) به فاطمه (س) فرمود: چه چیزی برای زن بهتر و نیکوتر است؟ فاطمه (س) گفت: اینکه او مردی را نبیند، و مردی نیز او را نبیند. پیامبر خدا (ص) از این پاسخ خشنود گردید» (۵).

باید همگی تدبیر کنیم که در این وانفسا، زنان را «شوهر بسنده» نگذاریم، تا عفت آنان خدشه دار نشود و بنیان های نظام اجتماعی از هم نگسلد.

(۱) Michael Woodhead, Two thirds of women have sexual problems, 28 June 2012

(۲) «المراد من التَّهْيِئَةِ إصلاح الرجل بدنه من إزالة الشعر والوسخ ووضع الطيب ونحو ذلك، فإن الزوجة إذا رأت ذلك قصرت الطرف علي زوجها فتعففت، ولا يخشي عليها ترك العفة والإلحاق بالفواحش» (مجمع البحرين، ج ۱، ص ۴۸۴)

(۳) «قَالَ نَعَمْ إِنَّ التَّهْيِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بَتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّهْيِئَةَ ثُمَّ قَالَ أَيْسُرُكَ أَنْ تَرَاهَا عَلَيَّ مَا تَرَكَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتَ عَلَيَّ غَيْرَ تَهْيِئَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَهُوَ ذَاكَ ثُمَّ قَالَ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْظُفُ وَالتَّطْيِبُ وَحُلُّ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الطَّرُوقَةِ» (الكافي، ج ۵، ص ۵۶۷)

(۴) «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلِّمُوهُنَّ سُورَةَ النُّورِ» و «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: عَلِّمُوهُنَّ سُورَةَ النُّورِ فَإِنَّ فِيهَا الْمَوَاعِظَ» (الكافي، ج ۵، ص ۵۱۶)

(۵) «وَقَالَ النَّبِيُّ ص لَهَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ قَالَتْ أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ فَضَمَّهَا إِلَيْهِ» (زندگانی حضرت زهرا (س)، محمد روحانی، ص ۳۸۸)

